



عکس: علی محمدی/ایران

پس لرزه‌های «پلاسکو» و «املاک نجومی» در «بهشت»

نگاهی به سال پرتنش شورای شهر و شهرداری پایتخت

و حتی «مالک!» یا در رفتاری دور از انتظار، نه تنها اصلاح طلبان شورا که برخی اصولگرایان هم به صف معترضین وارد شدند تا از شهردار بخوانند درباره هر آنچه که این روزها زیر خاکستر تأمل و تدبیر او پنهان شده، چاره اندیشی کنند. معصومه آباد جزو همان دسته‌ای بود که به عنوان نخستین نفر در نطق صریح از شهردار تهران پرسید «چرا آتش نشانی بدون در نظر گرفتن سازه و زمان حریق، ۲ هزار لیتر [؟] آب، روی ساختمان پلاسکو پمپاژ کرده است؟»

میل به «عذر خواهی»، «استعفا» و حتی «استیضاح شهردار» هم اگر چه در جلسه یکشنبه و حتی پیش از آن در موج اعتراضی برخی نمایندگان مجلس در خانه ملت دیده می‌شد، اما در نهایت به نسیمی ملایم بدل شد که در بینابین طوفان مهیب «پلاسکو»، گم شد! اگر چه همین حرکت‌های نه چندان یکدست، دستاوردی هم داشت و آن عذر خواهی چند دقیقه‌ای فردی بود که به عنوان شهردار کلانشهر تهران، بعد از ۸ ساعت کلنجار رفتن در یک جلسه، بالاخره رضایت داد تا به مردم بگوید: «من از مردم عذر خواهی می‌کنم چون در هر میدانی پای کار بودم، نتوانستم جان خود را بد هم و هر زمانی که لازم باشد جان خود را برای مردم می‌دهم اما رفتار سیاسی و غیر کارشناسی و بیاج دادن به ضد انقلاب‌هایی که آن سوی مرزها علیه انقلاب فعالیت می‌کنند رانمی‌پذیرم.»

این سخنان اوابته به نتیجه مهم دیگری ختم شد و «پرویز سروری» را وسوسه کرد تا پیشنهاد ارائه نشان لیاقت به شهردار تهران را پیش بکشد! نهایت جلسه آن روز شورای شهر، با این حال شبیه جلسات مهم دیگر شورا به یک نتیجه «معلوم» رسید. چه آنکه اعضای اصولگرا و اصلاح طلب شورا در یک رقابت فشرده، بر روی هم قرار گرفتند تا باز هر آنچه از زبان دو طیف شنیده می‌شود، بر چسب «سیاسی کاری» و «حزبی» بخورد. برای همین دور از ذهن نبود مدافعان شهردار با صدای بلند فریاد بزنند، «نباید شهردار را گوشه رینگ بگذاریم و به آن ضربه بزنیم.»

محسن پیرهادی البته جلوتر از همه مدافعان، در نطقی قابل حدس، خطاب به اعضای که اصرار به استعفا می‌کنند که «کسانی باید عذر خواهی کنند که جریان و گفتمان شان در شورای شهر سوم متفاوت بود. به طوری که با قلم شکسته و زبان کوتاه شش دانگ از سیاست‌های شهردار حمایت می‌کردند اما امروز نرخ، چیز دیگری می‌گوید؟» البته جلسه «واقعی» شورایی‌ها، پس لرزه‌هایش را به فضای

اینکه کسی زنده، پیدا می‌شد یا نه، باز هم می‌گفتم موفق بوده‌ایم و هیچ نقطه ضعفی نداشته‌ایم! هر چند که ما مطلع نیستیم که مدیران شهری میزان موفقیت شان را با چه معیارهایی اندازه‌گیری می‌کنند.» تقی پور هم در این جلسه با همان ویژگی‌ای که او را به یک عضو «زود جوش» تبدیل کرده، بار دیگر عده‌ای را خطاب قرار داد و گفت که شم‌حرف‌هایتان را در رسانه‌های بیگانه زده و زوشت‌هایتان را هم جلوی دوربین‌ها گرفته‌اید. حالا بس کنید!

رانند دوم مسابقه بی‌رقیب «فرار از مسئولیت‌ها» در آن روز؛ اما برخلاف متکلم وحده بودن شهردار و معاونش (مازیار حسینی)، به دست شورایی‌ها افتاد تا هر آنچه در چینه داشتند از انتقاد و اعتراض به «گزارش‌ها» گرفته تا میل به «استعفا» و «استیضاح» شهردار را روی صحن عمارت زمردین شورای شهر ریخته و با دست پر، بازی «یک سر بردویک سر باخت» را جلو ببرند! شورایی‌ها البته برای رسیدن به نتیجه «برد-برد» برای چندمین بار در سالی که به نام «شهر پر حادثه» پیوند خورده بود، با طرح سوالات «تخصصی» به جنگ گزارش‌های شهردار تهران رفتند تا با محاصره او در زمین مسئولیت‌هایی که متوجه اوست، بازی «سلب مسئولیت‌ها» را تمام کنند. حتی محمد مهدی تندگویان، عضو اصلاح طلب شورا با منشی که از پذیره ارث برده، با صراحت پرسید که «آقای شهردار رودری با ایستای را کنار بگذارید و بگویید نظرتان درباره عذر خواهی با استعفا چیست و اصلاً چه کسی باید استعفا دهد؟ آیا دادستانی است؟ آیا وزارت کار است؟...» با این حال این بازی حتی در وقت اضافه هم نتوانست، نتیجه از پیش تعیین شده رقابتی کهنه کار را تغییر دهد. برای همین بعد از چند هفته جنجال رسانه‌ای و سوز و گدازهای دردناک حادثه‌ای که ابعاد جهانی پیدا کرد، باز هم عذر تقصیر به گردن «راننده‌ای افتاد که خودش هم در حادثه جان داده بود!» غافل از اینکه در آن روز که نه، حتی در روزها و هفته‌های تلخ پیش از آن، همه سوالات و ابهامات روی دایره «قضاوت» و «انصاف» مردم ریخته شده بود تا به دور از فضاهای سیاسی و اتهام زنی‌های متقابل که جو غالب شورای چهارم را تشکیل داده است، سهم تقصیرها مشخص شود.

نتیجه جلسات پلاسکویی شورا، البته چند دستاورد ممتاز هم داشت. اول آنکه برخلاف رویه‌ای که پیش از این معمول شده بود، دامنه انتقادات به یک نهاد یا سازمان خاص محدود نشد و اعضا در اقدامی فرا جناحی، خواستار برخورد با همه کسانی شدند که نامشان در این دایره تقصیر برده شده بود. از «وزارت کار» گرفته تا «اتاق اصناف»



شاید بتوان مهم‌ترین نقطه عطف در کارنامه سال ۹۵ شورای اسلامی شهر تهران را در «صراحت کلام» به جلساتی نسبت داد که در سه شنبه‌های علنی و یکشنبه‌های غیر علنی، به حادثه پلاسکو اختصاص داشت؛ جلساتی که آخر الامر برای شهردار تهران را بعد از «بهارستان» با چند روز تأخیر به «بهشت» باز کرد، اما انتقادات تند و تیز شورایی‌ها در آن سه شنبه پر حادثه، اجازه نداد تا محمد باقر قالیباف برای ساعتی در «بهشت»، نفسی تازه کند. شهردار تهران بعد از ارائه گزارش پاورپوینتی‌اش، رود روی اعضای قرار گرفت که مجادله اصلی «پلاسکو» را پیش رویش گشودند. همان‌ها که از گزارش سه ساعت و نیمه‌اش با بند و تبصره‌های قانونی درباره پاسکاری‌های بدون وقفه «مسئولیت‌ها» و «تقصیرها»، قانع نشده و جلسه علنی یکشنبه را به یک جلسه استثنایی رسانه‌ای تبدیل کردند. همان‌ها که چند روز بعد از آن جلسه، ناراضی‌بیتی خودشان را به صفحات مجازی کشیدند و گلایه‌هایشان را از پاسخ‌های غیر تخصصی و دور زدن‌های ناموجه شهردار تهران، فریاد زدند. جلسه یکشنبه آن روز، البته چند زاویه پرحاشیه داشت که فراتر از سخنان محمد باقر قالیباف، تصویر آن روز شورا را خاطر انگیز تر از حتی آن روزی کرد که اعضای شورا، جلسه غیر علنی خود را با بر چسب «محرمانه» در پاساژ پروانه تهران در حوالی فاجعه «پلاسکو» برگزار کردند. آن روز هم البته رسانه‌ای شدن و نشدن ابعاد دردناک حادثه «پلاسکو» به آتش زیر خاکستر دو عضو «اصلاح طلب» و «اصولگرای شورا» یعنی «احمد مسجد جامعی» و «رضایتی پور» تبدیل شد تا در فرصتی مناسب، زبان‌های آن، دامن سیاسی کاری‌های شورای چهارم را بگیرد و البته این فرصت، زودتر از آنچه پیش بینی می‌شد، پیش آمد و به همین علت، جلسه یکشنبه علنی، به میدان مبارزه لفظی میان دو عضو تبدیل شد! احمد مسجد جامعی در آن روز، تعارفات همیشگی‌اش را کنار گذاشت و با همان لحن آرام و مطمئن‌انه‌ای که شناسنامه شخصیتی‌اش را هویدا می‌کند، خطاب به محمد باقر قالیباف با کنایه گفت «در هر شرایطی که قرار می‌گیریم، می‌گوییم موفق بوده‌ایم، در این جریان هم فرقی نمی‌کند که در جای ۱۶ آتش نشان اگر ۲۰ آتش نشان هم شهید می‌شد یا

اجتماعی

www.iran-newspaper.com